



## پرسش و پاسخ

### با کاوشگران تاریخ و دانشوران معرفت

پرسش‌های گوناگون و فراوان خوانندگان اندیشمند و پژوهشگر ما را بر آن داشت که از این شماره صفحه‌ای برای پاسخ به پرسش‌های خوانندگان عزیز باز کنیم و به پرسش‌هایی که مربوط به حوزه تاریخ و اندیشه سیاسی معاصر می‌شود در بخش «با کاوشگران تاریخ و دانشوران معرفت» پاسخ دهیم.



❖ به حضرت آیت‌الله خمینی از چه زمانی لقب «امام» داده شد و نخستین بار چه کسی ایشان را با این لقب خواند؟

شاکری - از نیشابور

☑ نخستین شخصیتی که عنوان «امام» را برای رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به کار برد، استاد فرزانه محمدرضا حکیمی بود، که در کتاب «سرود جهش‌ها» که در سال ۱۳۴۲

به رشته نگارش کشید، چنین آورد:

... در این روز و روزگار، دیگر این نشان تشیع را بر کسی ندیدیم و این سخن عزیز شیعی «انتم علی احدى الحسنین» را از کسی نشنیدیم، مگر از پیشوای شیعی اندیش معاصر و یادگار پیشینه‌های شیعه، امام خمینی<sup>۱</sup>!

شاعری نیز در سال ۱۳۴۳ در پی تبعید امام به ترکیه چنین سرود:

ای ز وطن دور ای مجاهد دربند      ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند

...

ای ز وطن دور ای امام خمینی      ای تو علی را یگانه پور همانند

سروده دیگر این شاعر درباره امام چنین است:

الا ای امام بحق برگزیده      الا ای تو اسلام را نور دیده

...

زعیما! اماما! از ایران چه پرسی      که سجن بزرگیست در خون طپیده

کتاب‌هایی که در نجف اشرف از سال ۱۳۴۸ منتشر شده مانند «حکومت اسلامی یا ولایت

فقیه»، «مبارزه با نفس یا جهاد اکبر»، «آوای انقلاب» و... نیز از قائد بزرگ اسلام به عنوان

«امام» نام آورده است و سرانجام کتاب تاریخ نهضت اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۶ در لبنان

منتشر شده است نیز به نام «بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی» نامگذاری شده است و

در جای جای این کتاب از آن ابرمرد تاریخ با عنوان امام نام برده است. علاوه بر این در

ماهنامه ۱۵ خرداد (دوره اول) که تا سال ۱۳۵۴ در نجف اشرف منتشر می‌شد نیز با عنوان

«امام خمینی» از رهبر کبیر انقلاب اسلامی نام برده است. و بدین‌گونه روشن می‌شود که

عنوان «امام» برای آن رهبر محبوب ملت سابقه‌ای دیرینه دارد و به دوران اوج انقلاب اسلامی

و پس از پیروزی آن محدود نمی‌شود. البته ناگفته نماند حجت الاسلام آقای دکتر حسن

روحانی در مراسم چهل‌م شهادت آیت الله حاج سید مصطفی خمینی (رحمت الله علیه) در مسجد ارک تهران نیز با عنوان «امام» از خمینی کبیر یاد کرد و بدین‌گونه زمینه رواج این عنوان در السنه عموم مردم بهتر فراهم آمد.



◇ در نشریه «شما» ارگان حزب مؤتلفه اسلامی دیدم که ادعا شده است که مؤسس این حزب امام بوده است، آیا این ادعا مقرون به صحت است؟!

بنگدار- از تهران

☑ همان گونه که در هفته‌نامه «شما» شماره ۴۵۲ توضیح داده شده است، امام همه کسانی را که در چارچوب احکام اسلامی فعالیت‌های سیاسی داشتند، به اتحاد و انسجام فرا می‌خواندند و آنان را به وحدت کلمه دعوت می‌کردند. در نجف اشرف نیز بارها اتفاق افتاد که امام برادران روحانی را که در خدمتشان فعالیت داشتند و به سهم خود مبارزات ملت ایران را تداوم و استواری می‌بخشیدند، دسته‌جمعی به حضور فرامی‌خواندند و به اتحاد و انسجام دعوت می‌کردند و هدف امام از وحدت و یکپارچگی تشکیل حزب و حزب‌بازی نبود بلکه همگامی، هماهنگی، تبادل نظر، همفکری و نوعی تعامل و تعاون بود و این از برنامه‌های استراتژیک امام بود. امام به درستی می‌دانستند که در سایه اتحاد ملت می‌توان بر خصم چیره شد و دیدیم که با گرد آمدن عموم ملت در زیر پرچم توحید، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و امام تا واپسین لحظه‌های زندگی خویش همگان را به وحدت کلمه توصیه می‌کردند و اگر در این میان کسانی طبق سفارش امام به اتحاد و انسجام به تشکیل حزب و گروه دست زده‌اند، نباید امام را مؤسس آن حزب و جمعیت معرفی کنند. در نجف شماری از طلاب و روحانیان دور هم جمع شدند و با عنوان «روحانیت مبارز خارج کشور» مبارزات را دنبال کردند، عده‌ای نیز زیر عنوان «روحانیان مبارز، گروه ۱۵ خرداد» نهضت امام و مبارزات ملت ایران را پی

گرفتند، در صورتی که این دو گروه هیچ کدامشان این ادعا را ندارند که امام مؤسس گروه آنان بوده است. این درست نیست که اگر امام روزی جمعی را به اتحاد و ائتلاف فراخواندند و آنها رفتند حزبی تشکیل دادند، امام را «مؤسس» آن بنمایانند. اگر امام مؤسس حزب مؤتلفه اسلامی بودند، چرا دست کم پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیامی برای حزبی که بنیانگذاری کرده بودند نفرستادند و عموم مردم را به پیوستن به آن فراخواندند؟!

اگر امام بنابر درخواست جمعیت مؤتلفه، بزرگانی را به نظارت بر امور دینی و سیاسی جمعیت مکلف کردند، نه به معنی تأیید این جمعیت به عنوان یک حزب می‌باشد، بلکه رسالت اسلامی ایشان اقتضا داشت که به درخواست همه کسانی که از ایشان در راه هدایت و راهنمایی خود و همراهان خویش مدد می‌جویند توجه کنند و در هدایت آنان بکوشند. امام بزرگانی را بنا به درخواست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خویش در آن سازمان تعیین کردند در صورتی که مسلماً نه آن سازمان مورد تأیید ایشان بود و نه امام مؤسس آن بودند.

این روزها متأسفانه باب شده است که هر کسی طبق امیال خود به امام امت نسبت‌هایی می‌دهند که تاریخ را خدشه‌دار می‌کند مانند اینکه «ما بودیم به امام گفتیم عید نوروز سال ۴۲ را عزا اعلام کند!» «ما بودیم به امام پیشنهاد دادیم که پس از یورش کماندوهای شاه به مدرسه فیضیه، شخص شاه را مورد حمله قرار دهد!» «ما بودیم به امام پیشنهاد دادیم عازم فرانسه شود!» و ما بودیم.. و... چیزی نمانده است ادعا شود که ما بودیم اعلامیه‌ها را می‌نوشتیم و امام امضا می‌کرد!! ما بودیم پیش‌نویس سخنرانی را تهیه می‌کردیم و به امام می‌دادیم و امام آن را حفظ می‌کرد و بالای منبر می‌خواند!!



◇ چرا به برخی می‌گویند «دوم خردادی»؟! دوم خردادی‌ها با دیگر مردم کشور ما چه تفاوتی دارند؟

☑ دوم خرداد ۷۶ روز انتخابات هشتمین رئیس جمهور کشورمان بود که مردم با حضور حماسی خود در صحنه بار دیگر دست رد بر سینه دشمنان اسلام و ایران زدند و انقلاب اسلامی را پاس داشتند. مردم در روز دوم خرداد ۷۶ به رئیس جمهوری رأی دادند که

۱. روحانی بود، ۲. سید بود، ۳. منتسب به بیت یکی از عالمان بزرگ به شمار می‌آمد، ۴. از نامه و عنایت امام که به او «فرزند فاضل» خطاب کرده بود برخوردار بود، ۵. از شعارهای دینی و شعائر مذهبی استفاده کرده و عموم ملت مسلمان را به وفاداری و استواری خود در راه و خط امام مطمئن ساخته بود و ۶. هواداران او با شعار درود بر سه سید فاطمی خمینی، خامنه‌ای، خاتمی، التزام او به ولایت و امامت را در اذهان ملت ایران بیش از پیش استواری بخشیده بودند.

لیکن در پی انتخاب او به ریاست جمهوری سیاست‌بازان حرفه‌ای، منورالفرهای بند و بست‌چی، حرامیان عقیده و اندیشه و فرصت‌طلبان بی‌ریشه که همیشه در کمین حرکت‌ها و انقلاب‌های مردمی نشسته‌اند تا آن را به بیراهه بکشاند و در زیر پای اربابان خود ذبح کنند، به گمان اینکه امروز نیز همانند دوران مشروطه زمینه برای فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی فراهم است و می‌توان توده‌های ملت را به نام آزادی و آزادی خواهی به اسارت کشانید، بازیگر صحنه شدند و کوشیدند که با شگردهای شیطانی آرمان‌های امام و ارزش‌های انقلاب اسلامی را از میان ببرند و یک رضاخان دیگری را از اصطبل امریکا و انگلیس بیرون بکشند و به نام ناجی ملت بر تخت قدرت و ریاست بنشانند و امریکا را با سوت و کف و پایکوبی و رقاصی به ایران بازگردانند، رژیم کاپیتولاسیون را احیا کنند و سرجوخه‌های عربده کش امریکایی را بر نوامیس ملت ایران مسلط سازند. از این‌رو، همانند دوران مشروطه روزنامه‌های مرموز زنجیره‌ای به بازار آمد و به شیوه روزنامه‌های آن عصر مقدسات اسلام و رهبران ملت را مورد حمله، ناسزا و اهانت قرارداد و باورمندی‌های ملت مسلمان ایران را به باد ریشخند، نیشخند و مسخره گرفت و دل هر انسان غیرتمندی را خون کرد. به نام تشنج‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها تلاش شد هویت و کرامت انسانی ایرانیان - به ویژه نسل جوان - همانند عصر پهلوی

از میان برود و هر جوان ایرانی به هیچی و پوچی و بی‌تفاوتی کشیده شود تا آنجا که برای نسل جوان ایران نه دین، نه ناموس، نه وطن و نه غیرت مطرح باشد و در برابر هجوم نظامی دشمن بی‌تفاوت بماند و به تماشای تاخت و تاز بیگانگان بنشیند. منورالفکرها در این خواب‌های طلایی به سرمی‌بردند و شبانه‌روز به توطئه و دسیسه سرگرم بودند که ملت آگاه و هشیار ایران با حضور خویش در صحنه بار دیگر دست رد بر سینه نامحرم زد و به بیگانگان و بیگانه‌پرستان نشان داد که دوم خرداد با سوم خرداد و ۱۵ خرداد تفاوتی ندارد و این ایام الله ریشه در اندیشه امام و مکتب سرخ تشیع دارد و ملت ایران امروز آگاه‌تر از آن است که به غرب‌باوران رخصت دهد همانند دوران مشروطه میوه‌چین انقلاب باشند و استقلال کشور را در زیر چکمه دژخیمان امریکایی و انگلیسی ذبح کنند و مأموریت کثیفشان را در سلطه بخشیدن به بیگانگان به انجام برسانند.

یریدون لیطفؤا نورالله بافواهمم و الله متم نوره و لو کره المشرکون.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی